

آچارکشی

همه باهم بغض کنیم



پوریا عالمی

● «بسیاری از کارمندان و کارگران در آستانه بی‌کاری قرار دارند و انبارهای کارخانجات و واحدهای تولیدی اینباشته از تولیدات است اما به دلیل کمبود نقدینگی و پایین‌آمدن قدرت خرید مردم این تولیدات مصرف و خریداری نمی‌شود و کارخانجات در حال ورشکستگی و تعطیل‌شدن هستند و حتی قدرت مدیریت کارمندان و کارگران خود را ندارند.

معتمد تنها راه بهبود سیاست اقتصادی بر مبنای توان و تفکر و بهره‌گرفتن از ظرفیت داخلی است و با این سیاست است که می‌توان تولید را راه‌اندازی کرد و بازار مصرف بسیاری را در کشور و جهان در اختیار گرفت».

این جملات را که خواندم، بغض کردم و ریختم به‌هم. شما شاید فکر کنید من مشکلی، چیزی دارم که با خواندن چنین چیزی به‌هم می‌ریزم، ولی این‌طوری نیست. ما تقریباً یک عمر به دایمی همه‌چیزدانمان توضیح می‌دادیم همه‌چیز زیر سر انگلیسی‌ها نیست و جهان، روسیه و آمریکا و چین و ژاپن و آلمان و فرانسه و عربستان و کشورهای دیگری هم دارد و یک چیزهایی هم زیر سر آنهاست.

دایی همه‌چیزدان ما می‌گفت همین‌ها را هم انگلستان درست کرده تا رد گم کند. اولین‌بار وقتی دایی همه‌چیزدان ما اعلام کرد که حادثه ۱۱ سپتامبر زیر سر خود آمریکا بوده، ما بغض کردیم و ریختم به‌هم. چون برای اولین‌بار در طول تاریخ حیات بشری پذیرفته بود جز انگلستان موجودات دیگری هم در دنیا هستند.

حالا با این مثال باید درک کنید که جملات بالا را وقتی خواندید بغض کردیم. شما هم اگر اظهارنظرهای قبلی راوی این سخنان را بخوانید، بغض می‌کنید.

به‌خصوص وقتی در تمام هشت‌سال دوران ریاست‌جمهوری آقای احمدی‌نژاد که ما داشتیم لباسمان را می‌فروختم که نان بخیریم با شعار همه‌چیز آرومه و هر کی نازآورمه مشکل از خودشه، خیلی از نمایندگان نه‌تنها دولت مهرورزی را حمایت صددرصدی می‌کردند که درصدی هم در نظر نمی‌گرفتند شاید استثنائا کرم از خود درخت باشد و ما مصرف‌کننده بخت برگشته صرفاً به کرم توی سیب اعتراض داریم.

حالا با این زمینه‌سازی‌ای که ما کردیم، شما آماده شده‌اید که با گوینده جملات اول این ستون آشنا شوید و بریزید به‌هم. به نظر شما این جملات از چه کسی است؟

هرچند این جملات نوشدارو باشد و بعد از مرگ اقتصاد به زبان آمده باشد و وقتی هم به زبان آمده باشد که یک دولتی آمده سرکار که بخواهد مشکلات دولت قبل را حل کند. حالا چه کسی این جملات را گفته؟

الف- گوستاو یونگ
ب- زوررو
پ- گاندی
ت- راج کاپور
ث- صادق زیباکلام
ج- سویرین
خ- پدر پسر شجاع
د- مهران غفوریان
ذ- اکبر عبدي

ر تا ی- هر کی شما حدس بزنید؟ که عمرا بتوانید حدس بزنید.

عمررا بتوانید حدس بزنید. لطفاً آماده باشید بعضی کنید. چراغ‌ها را خاموش کنید. دلتان را رها کنید. دل بدهید به من. می‌خواهم اسمش را به زبان بیاورم. آماده‌اید؟ بگویم؟

روح‌الله حسینیان که موافق سیاست‌های اقتصادی دولت قبل و منتقد سیاست‌های اقتصادی دولت فعلی است. همین که حسینیان به‌هرحال دید مشکل کار در کشور وجود دارد، ما نه‌تنها احساساتی شدیم بلکه برای دور بعدی انتخابات مجلس حاضریم اسمش را تاتو کنیم روی پیشانی‌مان و برویم توی خیابان برای تبلیغ کنیم. بی‌شوخی.

شتر روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۰ مهر ۱۳۹۴ • ۲۸ ذی‌الحجه ۱۴۳۶ • ۱۲ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۲۰ • ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۱ • اذان مغرب ۱۷:۵۲ • اذان صبح فردا ۴:۴۵ • طلوع آفتاب ۶:۰۹

روزنفرها



کارتون خواب

مهدی عزیزی

پسرای عمودریا

روایتی از کلاس‌های ۳ استاد درس حافظ در دانشگاه تهران

آزاده تاج‌علی: ۱: وقتی راه می‌رفت، همه فکر می‌کردند از کت و شلوارش دارد شعر حافظ می‌ریزد روی زمین. وقتی راه می‌رفت، سرش رو به پایین بود و انگار روی صفحه‌های موزاییک طبقه چهارم داشت ردپای بدیع‌الزمان فروزانفر را می‌دید یا شاید داشت حرف‌های جدیدی درباره یک واژه از یک مصراع شعر حافظ مکاشفه می‌کرد؛ کاشف فروتن‌واژگان، دکتر مظفر بختیار^۱. داشت راه می‌رفت تا در جلسه اول کلاس حافظ یک برایمان درس بگوید. وارد شد. عینک دسته‌قظوری داشت. رفت روی صندلی‌اش پشت میز کوچکی در کلاس ۲۱۱ نشست. کمی بعد، گفت: می‌دانید گل سوسن امروز کدام گل است؟ یک راهنمایی هم کرد که حافظ می‌گوید: «چون سوسن آزاده چرا جمله زبانی». همه ما مثل دیوار پشت‌سرمان، ساکت بودیم و خیلی برایمان بد شده بود که با آن همه ادعا این پرسش ساده را نمی‌توانستیم پاسخ بدهیم. خود دکتر بختیار با صدای بلند زاگرسی‌اش گفت: زنبق. بعدش هم مثل یک معنی‌ماهر، زخمه‌اش را برداشت. دستش را روی سیم‌های سازش گذاشت و سکوت تأثیرگذاری حاکم شد. استاد توضیح داد: ببینید گل زنبق از آن پایین تا بالا یک زبان بلند دارد. راست می‌گفت اما چرا هیچ‌کس این را پایین شعر حافظ نوشته بود. جلسه بعد، استاد درس حافظ دوباره آمد و حساب همه ما ۳۰ نفر سال‌اولی ادبیات را رسید. گفت درخت سرو نماد چیست؟ همه فریاد زدیم قد بلند. او گفت: خیر و با آهنگ خوانین بختیاری در خیرگفتن، زهره همه ما آب شد و جرئت نکردیم دیگر افاضات کنیم. خودش توضیح داد: نماد یک زن قدبلند است که چادر پوشیده. باور نمی‌کردیم اما با سندهای شعرها و کتیبه‌ها گفت

که زنان ایرانی این پوشش را داشتند و با ترکیب قد بلندشان و افتادن چادر روی قامتشان، تصویر قشنگی برای عاشق‌ها پیدا می‌شد. فکر نمی‌کردیم که درس حافظ برای افشاگری هم کاربرد داشته باشد. همین شد که تا آخر ترم مثل ماشین تایپ، تندتند هرچه استاد می‌گفت را می‌نوشتیم و بعدش می‌رفتم در شهرهایمان به پدرومادرهایمان می‌گفتم یا به دوستانمان یز می‌دادیم. دکتر بختیار یک‌بار هم در کلاس حافظ گفت: ایرانی‌ها آن قدر از

شرق: نرسیده به ظهر، خیابان ۱۵ خرداد به اوج جمعیتش می‌رسد، مردم دسته‌دسته از مترو به خیابان می‌ریزند و جلوی مغازه‌ها و بساطی‌ها پر می‌شود از زنان و مردانی که آمده‌اند از بازار بزرگ خرید کنند. اینجا بورس همه‌چیز است. این ازدحام اما چند سالی است که تقسیم شده است؛ گروهی مشتری پروپاقرص دست‌فروش‌ها شده‌اند و از سود و کاسی مغازه‌دارها کم شده است. آن‌طور که محمدرضا می‌گوید، سابقه مشاجره بین کسبه خیابان و دست‌فروش‌ها به خیلی دور برمی‌گردد اما تازگی‌ها این مشاجره‌های لفظی شکل جدی‌تری پیدا کرده: «ما قبلاً اخطار داده بودیم اما اداره سد معبر قول داده بود که دست‌فروش‌ها را جمع کند که می‌بینید، نکردند و اتفاقاً یک‌سالی هم هست که خیلی زیاد شده‌اند. همه‌چیز می‌فروشند، روبه‌روی مغازه لباس‌فروشی، پیراهن چینی می‌فروشند، مقابل مغازه میوه‌فروشی، میوه‌های ارزان می‌فروشند. خب مشتری عقلتش به چشمش است، می‌بیند آنجا قیمت ارزان‌تر است می‌رود آنجا. آن‌وقت من مغازه‌دار باید هزرویک قلم خرج کنم تا بتوانم دو قران کاسب باشم». نیروهای شهرداری اما در راسته خیابان قدم می‌زنند و هرازچندگاهی، بساطی‌ها یکسبه‌به‌دست

از جلوی چشم‌شان در می‌روند، باین‌همه بعید است که بدون هماهنگی، این همه فروشنده و جنس وسط خیابان ولو باشد. عیسی، نوجوانی که روبه‌روی سبزه‌میدان پادری می‌فروشد اما حرف دیگری دارد: «ما ماهانه به اینها می‌دهیم، این‌طور نیست که بدون اطلاع مغازه‌دارها بساط کنیم. کلی پول به آنها می‌دهیم تا بتوانیم جنس‌هایمان را بفروشیم». آن‌طور که او می‌گوید، دست‌فروش‌ها به خاطر اشغال‌کردن سطح خیابان به مغازه‌دارها اجاره‌ای غیررسمی می‌پردازند اما هیچ‌کدام از مغازه‌داران نه این‌موضوع را تأیید می‌کنند و نه از آن اطلاعی دارند. خلاصه اذان ظهر هنوز شروع نشده بود که صدای یک دست‌فروش جرقه اولین غوغا می‌شد: «مرگ بر کران‌فیروش، خانما از من بخیرن که ارزان می‌فروشم!» کبریتی است این جمله در انبار باروت خشم مغازه‌داران. دعوا راه می‌افتد و کسی نمی‌داند، چه‌کسی به چه‌کسی بدوبیره می‌گوید. اندکی بعد همه روبه‌روی آن‌لترتی بازار جمع شده‌اند؛ دست‌فروش‌ها با قیافه‌ها و تیپ‌های مختلف یک طرف شعار «مرگ بر کران‌فیروش» می‌دهند و مغازه‌داران در طرف دیگر، با شعار «ایرانی، ایرانی بخر» ایستاده‌اند برای دفاع از حق‌شان. نه کسی

پیشنهاد

جشن لاک‌پشت‌پرنده در روزگار برتری تکنولوژی

گیسو فقفوری

امروز ۲۰ مهرماه فهرست چهاردهم لاک‌پشت‌پرنده در شهرکتاب مرکزی با حضور خالقانش رونمایی می‌شود. این فهرست به کتاب‌های منتشرشده در تابستان ۱۳۹۳ اختصاص دارد. آثار ۵۰ نفر از نویسندگان، مترجمان و تصویرگران به‌همراه خودشان در شهرکتاب مرکزی عرضه شود. یک بهانه ساده برای دیدار با خالقان اثر، یک ارتباط چهره‌به‌چهره بین مخاطب و خالق و لحظاتی که شاید فراموش‌نشدنی باشد. اگر دوروبرتان کودک یا نوجوانی را می‌شناسید که دوست دارد یک عصر را در کنار نویسندگان و مترجمان کودک و نوجوان بگذراند، کتاب بخرد و نمایش عروسکی تماشا کند، این جشن می‌تواند یک اتفاق خوب باشد. ۱۴ فصل یعنی بیش از سه‌سال‌نویم. بخش زیادی از آثاری که در طول این مدت منتشر شده، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. معیارهای متعددی در این‌بررسی مدنظر قرار گرفته‌اند. معیارهایی که در کتاب‌ها به آن توجه شده، علاوه بر زیبایی‌شناسی و اصول خلاقانه و تکنیک نویسندگی و تصویرگری به نکته‌های مهمی نظیر نبشود تبعیض قومی و نژادی در بین شخصیت‌ها اشاره کرده‌است. ما در روزهایی هستیم که می‌گویند انواع آب‌ها و بازی‌های کامپیوتری و اتصال سریع به اینترنت، کودکان را در خود غرق کرده است. می‌گویند کودکان به دامان این تکنولوژی پناه برده‌اند. اما از سویی دیگر امکانات زیادی هم در زمینه چاپ آثار و کتاب برای کودکان به وجود آمده است. روزگاری بود که تنها کتاب‌های متفاوت برای مخاطبان خردسال کتاب‌های شکوفه‌ای یا سوراخ‌داری بودند که انتشارات آمریکایی و روسی منتشر می‌کردند. اما اکنون کتاب‌ها به شکل متنوعی تولید می‌شوند. از کتاب‌هایی که داستان‌هایی را در عمق دریا تعریف می‌کنند و می‌توان کشتی‌ها را کتج‌ها را در صفحات کتاب پیدا کرد تا کتاب‌هایی که به صورت موزاییکی و پازلی ساخته می‌شوند. کتاب‌های آهن‌ربایی که دیگر ساختمان در ایران هم متداول شده است.

کتاب‌های آکاردونی، سفرهای یا حتی کتاب‌هایی به شکل خانه و قوطی برای کودکان و نوجوانان در بازار ایران یافت می‌شود. کتاب‌هایی با کاغذهای عطری، کتاب‌هایی با جلد‌های چرمی و کتاب‌هایی که کمیک‌استریپ و داستان را هم‌زمان دارند و کودک هم‌زمان می‌تواند داستان خودش را خلق کند. تنها نمونه‌هایی از تلفیق متن و خلاقیت هستند. هرچند افزایش قیمت مسود اولیه و عوامل فنی تولید چون کاغذ، مقدار، دستگاه چاپ، رنگ و ... هزینه تولید چنین کتاب‌هایی را بالا برده است اما به نظر می‌رسد دیگر کمتر می‌توان بهانه‌ای برای عدم جذابیت را به کتاب‌خوانی متصل کرد. در این روزهای هفته کودکی در گوشه‌وکنار برنامه‌های متعددی برای کودکان برپاست؛ از کاخ نیاوران تا شهرکتاب. فرصت را از دست ندهید. امروز هم می‌توان چند ساعت خوب برای مخاطبان کودک به وجود آورد. از کنارهم‌بودن و داستان‌خوانی دریغ نکنید شاید آن اتفاق خوب بیفتد. آن روزی که دیگر مسئولی از سیمان‌کردن مسئولی دیگر نکوید و کسی از ندادن کار به افغان‌های مهاجر نکوید.

امروز ۲۰ مهرماه فهرست چهاردهم لاک‌پشت‌پرنده در شهرکتاب مرکزی با حضور خالقانش رونمایی می‌شود. این فهرست به کتاب‌های منتشرشده در تابستان ۱۳۹۳ اختصاص دارد. آثار ۵۰ نفر از نویسندگان، مترجمان و تصویرگران به‌همراه خودشان در شهرکتاب مرکزی عرضه شود. یک بهانه ساده برای دیدار با خالقان اثر، یک ارتباط چهره‌به‌چهره بین مخاطب و خالق و لحظاتی که شاید فراموش‌نشدنی باشد. اگر دوروبرتان کودک یا نوجوانی را می‌شناسید که دوست دارد یک عصر را در کنار نویسندگان و مترجمان کودک و نوجوان بگذراند، کتاب بخرد و نمایش عروسکی تماشا کند، این جشن می‌تواند یک اتفاق خوب باشد. ۱۴ فصل یعنی بیش از سه‌سال‌نویم. بخش زیادی از آثاری که در طول این مدت منتشر شده، مورد بررسی قرار گرفته‌اند. معیارهای متعددی در این‌بررسی مدنظر قرار گرفته‌اند. معیارهایی که در کتاب‌ها به آن توجه شده، علاوه بر زیبایی‌شناسی و اصول خلاقانه و تکنیک نویسندگی و تصویرگری به نکته‌های مهمی نظیر نبشود تبعیض قومی و نژادی در بین شخصیت‌ها اشاره کرده‌است. ما در روزهایی هستیم که می‌گویند انواع آب‌ها و بازی‌های کامپیوتری و اتصال سریع به اینترنت، کودکان را در خود غرق کرده است. می‌گویند کودکان به دامان این تکنولوژی پناه برده‌اند. اما از سویی دیگر امکانات زیادی هم در زمینه چاپ آثار و کتاب برای کودکان به وجود آمده است. روزگاری بود که تنها کتاب‌های متفاوت برای مخاطبان خردسال کتاب‌های شکوفه‌ای یا سوراخ‌داری بودند که انتشارات آمریکایی و روسی منتشر می‌کردند. اما اکنون کتاب‌ها به شکل متنوعی تولید می‌شوند. از کتاب‌هایی که داستان‌هایی را در عمق دریا تعریف می‌کنند و می‌توان کشتی‌ها را کتج‌ها را در صفحات کتاب پیدا کرد تا کتاب‌هایی که به صورت موزاییکی و پازلی ساخته می‌شوند. کتاب‌های آهن‌ربایی که دیگر ساختمان در ایران هم متداول شده است.

دو شکل غالب و رایج آسیب‌های متوجه کودکان عبارت است از اعمال خشونت نسبت به کودکان و غفلت‌ورزی نسبت به آنها. شکل اول یعنی خشونت‌ورزی که ممکن است توسط والدین، اولیای مدرسه یا اطرافیان، افراد آشنا یا غریبه نسبت به کودکان اعمال شود ممکن است ابعاد جسمانی، جنسی یا روانی، کلامی و اقتصادی یا اجتماعی پیدا کند، یعنی تقریباً همان نوعی را دارد که هنگامی که از خشونت خانگی سخن می‌گوییم آنها را شناسایی می‌کنیم.

۴ چرا دست به چنین آسیب‌هایی می‌زنند؟
خیلی از افراد رفتارهای رایج در خانواده‌ها را که شامل رفتار خشونت‌بار می‌شود ممکن است جزء رفتار متعارف یا عادی تلقی کنند و اصلاً درکی از این ندارند که این رفتار، خود درواقع خشونت‌ورزی است و در نتیجه، همه‌ی‌چیز عادی یا قابل‌قبول نیست. برای‌مثال، والدینی که اعتقاد به تنبیه بدنی کودکان به‌عنوان شیوه مألوف تربیتی دارند ممکن است در خانواده‌های خود هنگام کودکی چنین رفتاری را از جانب والدین خود تجربه کرده باشند و این الگوهای رفتاری را در رابطه با فرزندان خود نیز بازتولید می‌کنند. ممکن است باورشان این باشد که والدین خوب و متعهدی هم هستند، درحالی‌که امروزه می‌دانیم اعمال خشونت به هر شکل و به هر بهانه‌ای، از نظر روان‌شناسی و علوم تربیتی امروز مردود تلقی می‌شود و والدین تشویق می‌شوند از شیوه‌های دیگر تربیتی بهره بگیرند مثلاً با شیوه ایجاد انگیزه برای رفتارهای مثبت یا پاداش‌دادن، به‌جای تنبیه و کودک‌آزاری همچنن ممکن است در قالب ایجاد محرومیت در پاسخ‌گویی به نیازهای کودک یا خشونت‌گذاری و کاربرد زبان و ادبیات خشن، صورت بگیرد یا حتی شامل تهدیدهای مکرر و ایجاد ترس و هراس در کودک مثلاً با زندانی‌کردنش یا تهدید او به اینکه دیگر دوستش نخواهد داشت یا دیگر با والدینش نیست، اعمال شود. مثال‌های دیگری این است که به بهانه‌هایی چون ضرورت درس‌خواندن، کودک را از فرصت بازی در حدی که بچه برای رشد خود نیاز دارد محروم کنند.

۵ با این تعریف غفلت هم نوعی آسیب است؟

بله، شکل رایج دوم آسیب‌ها همین غفلت‌ورزی است یعنی کوتاهی والدین نسبت به نیازهای کودکان. عدم تأمین فضا و حریم خصوصی برای خواب و استراحت و امنیت و مسکن، عدم تأمین امکانات آموزشی مناسب، یا عدم تأمین مراقبت‌های بهداشتی لازم و حتی عدم صرف وقت کافی برای معاشرت با والدین یا کودکان هم‌سوسال و بهره‌برداری از اوقات فراغت تا نیازهای عاطفی و فراغتی کودک تأمین شود

پیشخوان

ندارند، خریدوفروش آنلاین سهام، و همه آنچه درباره مراکز تجاری خرید نمی‌دانستید! از مطالب منتشرشده در این هفته‌نامه است. مدیرمسئولی این هفته‌نامه را که یکشنبه‌ها منتشر می‌شود، دکتر محمدرضا قدیمی برعهده دارد.

آینده‌های روبه‌رو

گفت‌وگو با دکتر «شیرین احمدنیا»، جامعه‌شناس

الگوهای رفتاری غلط با کودکان را باز تولید می‌کنیم

از این جمله هستند. اشتباه برخی از والدین این است که تصور می‌کنند رسیدگی به کودکان صرفاً شامل رسیدگی و تأمین نیازهای جسمانی ایشان نظیر سرکردن شکم و تأمین سقف بالای سر است درحالی‌که کار صرف صحت و همین‌نشین، بازی‌کردن و گفت‌وگوی ساده و صمیمی با کودکان شاید مهم‌ترین نیاز کودکان برای تأمین سلامت اجتماعی در خانه و خانواده و تأمین نظارتی است که از سوی والدین برای رشد و پرورش خود نیاز دارند. محروم‌کردن کودکان از کودکی سالم نظیر شرایطی که برای کودکان کار پیش می‌آید نیز از جمله مصداق غفلت است که کودک‌آزاری به‌شمار می‌رود.

۴ به‌نظر می‌رسد برخی از این آسیب‌ها سابقه طولانی دارند. قبول دارید؟

بله، کودک‌آزاری در قالب سوءرفتار جنسی از جانب اطرافیان غریبه و آشنا و اقوام نزدیک امر جدیدی نیست. مهم‌ترین مشکلی که باز مورد تأکید قرار می‌دهم، نبود آموزش لازم به والدین و در جهت اصلاح رفتار با کودکانشان و آگاهی‌رسانی عمومی به افراد جامعه است تا با حقوق کودکان که به‌دلیل سن کم و عدم قدرت جسمانی و وابستگی عمومی‌شان به بزرگ‌سالان در شرایط آسیب‌پذیری بیشتری هم قرار دارند، آشنا باشند و حساسیت‌های لازم در جامعه برای محافظت و رعایت از این حقوق انسانی به وجود بیایند. ناآگاهی عمومی موجب گسترش کودک‌آزاری و مغفول‌ماندن ابعاد گسترده آسیب‌پذیری کودکان و آسیب‌های رایج می‌شود. تنبیه بدنی و گاه شدت‌عمل در این زمینه، سوءرفتار جنسی و تعرض به حریم خصوصی کودکان مواردی است که در این جامعه نسبت‌های نگران‌کننده‌ای دارد درحالی‌که حمایت‌های قانونی و اجتماعی وسیعی هم برای مقابله با این مشکلات انجام نشده است. بسیاری از والدین به‌ویژه مادران در هنگام مواجهه با این پدیده مستاصل می‌شوند و سکوت اختیار می‌کنند و راه قانونی برای مقابله با آن را نمی‌شناسند یا به دلائل فرهنگی از هرگونه پیگیری قانونی، یا اقدام چاره‌جویانه احتراز می‌کنند، اما در بسیاری از جوامع توسعه‌یافته، قانون و حمایت‌های سازمان‌های دولتی و غیردولتی برای کاهش کودک‌آزاری به انحاء مختلف مداخله می‌کنند. خطوط تلفنی رایگان گزارش‌های کودکانی را که مورد تعرض یا غفلت والدین یا اطرافیانشان قرار گرفته باشند سریعاً به رسیدگی قرار می‌دهند.

۵ بهترین راه برای مقابله با این آسیب‌ها چیست؟
مسئلاً، نخستین قدم برای مقابله با هرگونه کودک‌آزاری، آموزش و اطلاع‌رسانی وسیع است. این آموزش‌ها باید به هر ابزار ممکنسی، چه در قالب آموزش‌های رسمی، چه رسانه‌ها و هنر، چه اقدامات اجتماعی محلی و با کمک‌گرفتن از سازمان‌های دولتی و غیردولتی و تشکلهای مردمی صورت بپذیرد. قانون آموزش‌ها نظیر آموزش مهارت‌های اجتماعی مانند مهارت قاطعیت، یا مهارت نه‌گفتن و آشنایی با حریم شخصی و آشنایی با کاربرد ادبیات سالم در جوامع توسعه‌یافته و حتی در برخی کشورهای درحال‌توسعه نظیر زامبیا در قالب آموزش‌های رسمی در سطح مدارس ابتدایی و متوسطه عرضه می‌شود. خوب است مسئولان صاحب‌نظر را در این‌باره متقاعد کرد تا سیاست‌گذاری‌های لازم و برنامه‌های اجرایی متناسب را طرح‌ریزی و اجرا کنند. این را باید همه جز، مسئولیت اجتماعی خود برای پیشگیری و مقابله با تبعات آسیب‌های دوران کودکی که تک‌تک آحاد این جامعه را تهدید می‌کند، تلقی کنیم.

مجالسی برای معرفی بهترین تولیدات برندهای ایرانی برای مصرف‌کننده بومی و منطقه‌ای، این شماره به بهانه استقبال مخاطبان از سریال «دندون‌طلا»، مروری دارد بر آنچه که در این بازار نوبا تولید شده است. صنایع غذایی در چالشی فرسایشی، آلبیوموایی که لیمو

چهارمین شماره هفته‌نامه «خرید خوب» با تمرکز بر اقتصاد خانواده و منزل به سردبیری «بهزاد باشو»، منتشر شد. این مجله با شعار «خوب‌بخوان، خوب بین و خوب‌بخر» در شناسنامه‌اش چنین آورده است: «خرید خوب تلاش دارد تا رسانه‌ای مستقل و مردمی باشد و

♦ دکتر بختیار، تابستان امسال به دیدار خدای حافظ رفت